

A Research in the Design, Role and Method of Weaving the Chehel-Māshūleh Kilim of the Nationally-Registered of the Bidkordoye Village, Baft City, Kerman Province*


Abstract

Kilim-weaving has a long history and is widely woven in rural life and some urban communities of Kerman. Having diverse kilim-weaving technique, one of the most famous and valuable kilims of this province is “Chehel-Māshūleh” of Bidkordūyeh village, which was registered nationally in 2017. The special and unique weaves, diverse motifs and designs are subjective, abstract, among the most important characteristics of this kilim. The main objective of this article is to identify the technical features of the weaving method, the reasons for the naming and the factors affecting the formation and variety of the use of hand-weaves, motifs and designs of “Chehel-Māshūleh” of Bidkordūyeh village. The information in this article was collected using field and library surveys with descriptive-analytical method. This research seeks to answer the question “what are the significance and unique characteristics of the technique and associated motifs that have been registered nationally”. The results of this research show that the innovation and skill of the Afshār tribe weavers have led to the formation of a rare weaving technique, in the form of “left-weave”, which has contributed the preservation and sustainable use in their personal and daily life to provide design and decoration of their every-day objects in their life, work and even rest. According to archaeological discoveries, the history of weaving in Kerman dates back to more than 5000 BC. Motifs are the most important element in decorating these types of kilims, which have a great deal of originality. The results imply that most of these motifs are the result of the mentality of nomadic and rural women which are adopted from their life and environment, and ethnic traditions. In other words, these motifs are the abstracts of various elements and thoughts of the weavers, which are formed according to Iranian mysticism and Islamic civilization. They have woven these motifs with great skill on the carpet with an abstract and geometric style, but over time, they have undergone gradual changes and have evolved from simple to complex patterns. This process has created a lot of diversity in motifs, designs, and their use. The mental weaving and repetition of motifs have caused the diversity and multiplicity of motifs colors and names in the Chehel-Māshūleh kilim. In other words, it can be said that

Received: 16 Apr 2023

Received in revised form: 8 July 2023

Accepted: 12 Sep 2023

Aghil Sistani¹  (Corresponding Author)

PhD Student in Art Research, Department of Advanced Art Studies, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: aghilsistani@ut.ac.ir

Hassan Bolkhari Ghehi² 

Professor, Department of Advanced Art Studies, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: hasan.bolkhari@ut.ac.ir

Yaghoob Azhand³ 

Professor, Department of Advanced Art Studies, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: yazhand@ut.ac.ir

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfava.2023.357405.667085>

any work or artistic field, which has appropriate, logical, orderly, balanced structure and is rooted in the tradition, is picturesque. Therefore, most of the nomadic and rural handwoven with the Chehel-Māshūleh kilim style has the same characteristics while preserving the native identity and regional authenticity. As a result, it should be said that the nomadic art of this region is a pure, amazing, beautiful and useful/practical art.

Keywords

Kerman Kilim, Chehel Māshūleh/ Sineh Riz/Chapi, Bidkordūyeh, Motifs, Hand-woven, Weaving Method

Citation: Sistani, Aghil; Bolkhari Ghehi, Hasan, & Azhand, Yaghoob (2024). A research in the design, role and method of weaving the chehel-Māshūleh kilim of the nationally-registered of the bidkordoye village, baft city, kerman province, *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 29(2), 7-24. (in Persian)



The Author(s)

Publisher: University of Tehran

*This article is extracted from the first author’s doctoral dissertation, entitled: “The principles and basics of the aesthetics and history of nomadic and rural handwoven of kerman province” under the supervision of the second and the third authors at the University of Tehran.

پژوهشی در زمینه طرح، نقش و روش بافت گلیم چهل ماشوله ثبت ملی روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت استان کرمان*

چکیده

در کرمان بافت «گلیم» سابقه تاریخی طولانی دارد و به صورت گسترده در زیست‌عشایری و روستایی و برخی از جوامع شهری بافته می‌شود. در این منطقه، شیوه‌های بافت گلیم متنوع است. یکی از معروف‌ترین گلیم‌های این استان، «گلیم چهل ماشوله» روستای بیدگردوئیه است که در سال ۱۳۹۷ ثبت ملی شد و در کنار گلیم‌های شیریکی پیچ، پود معلق و گلیم-فرش جزء دستبافته‌های با ارزش ایران قلمداد می‌شود. بافت خاص و منحصر به فرد، نقوش و طرح‌های متنوع، ذهنی، تجریدی از مهم‌ترین

شاخصه‌های این گلیم است. هدف از نوشتن این مقاله، شناسایی ویژگی‌های فنی روش بافت، دلایل نام‌گذاری و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تنوع کاربرد دستبافته‌ها، نقوش و طرح‌ها در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه می‌باشد. روش تحقیق این مقاله، توصیفی تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و اسناد کتابخانه‌ای است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که طرح، نقش و شیوه بافت گلیم چهل ماشوله چه خصلت‌های مهم و تکینه‌ای دارد که تاکنون تداوم داشته و ثبت ملی شده است؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد ابتکار و مهارت بافندگان ایل افشار منجر به شکل‌گیری روش بافتی نادر، به صورت چپ‌بافی شده‌اند که حفظ و تداوم حیات فردی و اجتماعی آنان را به دنبال داشته و در زندگی روزمره آن‌ها برای تأمین، شکل‌دهی و تزئین ملزومات و نیازمندی‌های زندگی، کار و استراحت‌شان کاربرد دارد.

واژه‌های کلیدی

گلیم کرمان، چهل ماشوله یا سینه‌ریز یا چپی، بیدگردوئیه، نقوش، دستبافته، روش بافت

استناد: سیستانی، عقیل؛ بلخاری قهی، حسن و آزند، یعقوب (۱۴۰۳)، پژوهشی در زمینه طرح، نقش و روش بافت گلیم چهل ماشوله ثبت ملی روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت استان کرمان، نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۲۹(۲)، ۷-۲۴.

نگارنده (گان)

ناشر: دانشگاه تهران



* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین اصول و مبانی زیبایی‌شناسی و تاریخی دستبافته‌های عشایری و روستایی استان کرمان» می‌باشد که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در دانشگاه تهران ارائه شده است.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱
عقیل سیستانی^۱ (نویسنده مسئول): دانشجوی دکتری پژوهش هنر، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: aghilsistani@ut.ac.ir
حسن بلخاری قهی^۲: استاد گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: hasan.bolkhari@ut.ac.ir
یعقوب آزند^۳: استاد گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: yazhand@ut.ac.ir
Doi: <https://doi.org/10.22059/jfava.2023.357405.667085>

مقدمه

هنر بافندگی، از جمله کهن‌ترین و اصیل‌ترین هنرهای سنتی ایران، استان کرمان و «روستای بیدگردوئیه» است. گلیم چهل ماشوله در مناطق عشایری و روستایی استان کرمان برانگیخته از مقتضیات زندگی شبانی در مناطق کوچ‌رو زندگی دهقانی در مناطق روستایی است. گلیم‌بافی در این اقلیم سبقه‌ای تاریخی دارد. سودمندی و درعین حال زیبایی لوازم روزمره زندگی، استراحت و کار مبنای شکل‌گیری دستبافته‌ها و مصورنگاری آنان گردید. روند گلیم‌بافی در سیری تدریجی، تنوع بسیاری از نقش، طرح و شیوه بافت به خود گرفت. این روش بافت، به عنوان یکی از کاربردی‌ترین هنرهای کشورمان به شمار می‌رود که در استان کرمان کمتر درباره حدود و ثغور معانی مستتر در نقوش و نوع بافت آن بحث و تحلیل شده است. این هنر اغلب در میان دختران و زنان هنرمند ایلات و روستانشینان آن مناطق مرسوم است. آنان اعتقاد، آداب و رسوم، آرزوها و آمال‌هایشان را با اشکال ساده / استیلیزه^۱ شده در نقش و نگاره‌های عامیانه و کاربردی، با ذوق و سلیقه بافته‌اند؛ به عبارتی، گلیم‌بافی، گونه‌ای از جذاب‌ترین دستاورد هنری این مرز و بوم است که مطالعه و بررسی نقوش و طرح‌های آن از این حیث ارزشمند است که تجسد و تجسم ایده‌ها، آرزوها و باورهای است که سالیان سال ارزش‌های پایداری بر این اقلیم بوده‌اند. این نقوش و طرح‌ها، به‌مرور، به‌صورت شفاهی و تجربی، از سینه به سینه‌ای دیگر نقل و دست‌به‌دست شده‌اند و در این انتقال، بسیاری از باورها و اعتقادات و حتی اسامی فراموش شده و یا تغییر کرده است.

در چنددهه اخیر روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت شهرت و جایگاه خاصی در تولید، فروش و صادرات گلیم چهل ماشوله / سینه‌ریز / چپی داشته، ولی اغلب افراد شناخت مختصری از ویژگی‌های این هنر ارزشمند دارند. ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش در راستای معرفی و شناسایی طرح، نقش و تکنیک بافت خاص و متفاوت این نوع دستبافته است که در سال‌های اخیر به خاطر ارزش‌های ماهوی آن به ثبت ملی رسیده، ولی اطلاعات پژوهشی درستی از آن در دسترس نیست، بنابراین، آگاهی و شناخت از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های اثرگذار در شکل‌گیری گلیم چهل ماشوله و خوانش درست و دقیق ارزش‌های فنی و بصری آن و درنهایت توسعه و گسترش همه‌جانبه آن بسیار حیاتی است. هدف از نوشتن این مقاله، شناسایی ویژگی‌های فنی روش بافت، دلایل نام‌گذاری و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تنوع کاربرد دستبافته‌ها، نقوش و طرح‌ها در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه می‌باشد. برای یافتن پاسخ به سؤال مقاله که طرح، نقش و شیوه بافت گلیم چهل ماشوله چه خصلت‌های مهم و تکینه‌ای دارد که تاکنون تداوم داشته و ثبت ملی شده است؟ نمونه‌های مختلف دستبافته با تکنیک گلیم چهل ماشوله جمع‌آوری، عکاسی، مستندنگاری و تحلیل شده است و علاوه بر تطبیق و مطالعه پژوهش‌های قبلی یافته‌های تازه‌ای در رابطه با این نوع بافت ارائه گردید. بنابراین، در ابتدا موقعیت جغرافیایی و اقلیمی روستای بیدگردوئیه، مرکز اصلی تولید این نوع گلیم مرور شده؛ و در ادامه به معرفی ایلات و طوایف بافنده آن، سپس به ویژگی‌های فنی گلیم‌بافی و روش بافت و تنوع دستبافته این روستا پرداخته شده است؛ در آخر نیز شرح تفصیلی نقوش، طرح‌های آن گلیم و نتیجه پژوهش آورده شده است.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی با رویکرد تاریخی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و اسناد کتابخانه‌ای می‌باشد؛ در نوع کتابخانه‌ای با مراجعه به کتاب‌ها، نشریات و سایت‌های اینترنتی مرجع و معتبر انجام گردید و در روش تحقیق میدانی با سفر به روستای بیدگردوئیه و مناطق اطراف آن در شهرستان بافت استان کرمان و بررسی، بازدید، ثبت و مستندنگاری، مشاهده، مصاحبه و طرح پرسشنامه با صاحب‌نظران و متخصصان عوامل اجرایی و تجربی هنر بافندگی منطقه، به‌خصوص بافندگان، به همراه گردآوری بیش از سی نمونه از این روش بافت در مناطق عشایری و روستایی استان، صورت گرفت.

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون تحقیق جامع و مستندی در رابطه با پیدایش نقوش، طرح‌ها و به‌خصوص شاخصه‌ها و ساختار متمایز و فنی بافت گلیم ثبت ملی شده چهل ماشوله صورت نگرفته است. با این حال، پژوهش‌هایی مختصر درباره این نوع گلیم صورت گرفته است که در ادامه به تعدادی از آن اشاره خواهد شد؛ هانیه مهدی‌پور ارشلو و امیرحسین چیت‌سازیان (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی نقش و نماد گلیم چل ماشوله روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت»، انتشار یافته در همایش ملی فرش دستبافت خراسان جنوبی دانشگاه بیرجند، به معرفی برخی از نقش و نمادهای این نوع گلیم از جمله آماگل، عرب‌گل، چهارگل و چهارچخماق پرداخته‌اند و این چهار نقش را به‌عنوان اصیل‌ترین نقوش آن گلیم معرفی کردند. عقیل سیستانی (۱۳۹۶ و ۱۴۰۰) در مجموعه کتب *دایرةالمعارف دستبافته عشایری و روستایی استان کرمان* از سوی انتشارات پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری به توضیحاتی درباره روش بافت این نوع دستبافته در استان کرمان پرداخته است؛ همچنین همین نویسنده (۱۳۹۷) در «طرح پژوهشی (چاپ نشده) و تکمیل پرونده فیزیکی با کلیه مستندات به منظور ثبت روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت استان کرمان، به عنوان روستای ملی صنایع دستی در رشته گلیم چهل ماشوله / سینه‌ریز / چپی» (برای شورای راهبری انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع دستی) به جمع‌آوری و مستندنگاری برخی اطلاعات گلیم‌بافی در این روستا پرداخته است. فاطمه محسنی تکلو (۱۳۹۸) نیز در *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد رشته فرش دانشگاه هنر با عنوان «بررسی و مطالعه سیر تولید گلیم، قالی و تأثیر آن بر سایر دستبافته‌های افشار کرمان»* به معرفی انواع گلیم بافت ایل افشار و توضیحاتی مختصر درباره گلیم چهل ماشوله نظر داشته است. نتایج این محققان نشان می‌دهد که؛ بافت گلیم چهل ماشوله در استان کرمان و روستای بیدگردوئیه رایج بوده است و نقش دستبافته‌ها برگرفته از اندیشه و احساس بافنده آن باعث شادی و اندوه او در سردی و گرمی رنگ تبلور یافته است. بنابراین، وجه عطف این مقاله در تفحص و خوانش درست، علمی و میدانی عناصر مهم فنی و بصری این گلیم است.

مبانی نظری پژوهش

۱. وجه تسمیه

۱.۱. **چهل ماشوله / چل ماشوله:** درباره وجه تسمیه ماشوله می‌توان گفت؛ ریشه آن ماسور^۲، ماسوره و ماشوره - همان ساقه باریک خیزران -



۳.۱. سینه‌ریز: سینه‌ریز یکی دیگر از عناوین گلیم چهل ماشوله و

چیپی روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت و سایر مناطق همجوار در استان کرمان است که اشاره به ماهیت شکلی و فرمی طرح و نقش این دستبافته دارد. درعین حال، نام یکی از طرح‌های معروف قالی‌گلدانی منطقه شهر بابک^۲ در استان کرمان نیز هست (تصویر ۱) که به نظر می‌رسد عنوان مربوطه اشتراکاتی در نام‌گذاری داشته و بر همین اساس ترویج پیدا کرده است. می‌توان گفت؛ نقش‌های گل مانند سیبک یا شایوو یا گل عباسی که همواره بر بستر این نوع دستبافته به کار رفته‌اند و به عنوان نقشی شاخص در تشخیص گلیم مورد اشاره به حساب می‌آیند؛ به عبارتی، گلیم‌های سینه‌ریز با استفاده از گل‌های کوچک سفیدرنگ و رنگی به نام‌های سیبک، شایوو، گل عباسی، گل شاهی، گل شش‌پر، سی‌وو (سیو)، آما و آماگل (جدول ۳) به راحتی قابل تشخیص هستند. «در متن این گلیم‌ها نیز همچون دیگر دستبافته‌های افشار، از گل‌های تزئینی کوچک و سفید استفاده می‌شود» (هال و ویوسکا، ۱۳۷۷، ۲۴۸)، اما از آنجایی که این



تصویر ۱. نوع دستبافته: قالی؛ طرح: گلدانی، گلدانی سینه‌ریز، سینه‌ریز؛ حاشیه اصلی: سیبک ترکیبی؛ نوع بافت: قالی بافی؛ تاریخ بافت: ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵؛ بافنده: فامیل برفه‌ای؛ محل بافت: برفه از توابع شهر بابک؛ اندازه: ۱۴۲×۱۹۸ سانتی‌متر. مأخذ: (سیستانی، ۱۳۹۷، ۲۲۳)

است. بر همین اساس، در بین بافندگان قدیمی دستبافته منطقه کرمان، ماشوله به نوعی قرقره گفته می‌شود که روی آن‌ها نخ و خامه رنگی برای بافتن گلیم و قالی پیچیده می‌شده است که معمولاً در گذشته جنس آن قرقره از نی توخالی بوده است، اگرچه بعدها از لوله‌های فلزی و چوبی هم بافندگان بهره برده‌اند. این وسیله، برای نظم و انسجام بهتر خامه‌های رنگی بر روی دار، در هنگام بافت دستبافته‌ها کاربرد داشته است که به مرور زمان استفاده از آن لوله یا چوبیانی که نقش نگهدارنده رشته‌های پیشمی رنگی را داشته، کم‌رنگ شده و امروزه بافندگان اغلب از گلوله‌ها، پنگ‌ها و یا کلاف‌های رنگی خالی (بدون لوله نگهدارنده مرکزی) استفاده می‌کنند (جدول ۱). ماشوله، علاوه بر استفاده در گلیم‌های چهل ماشوله، در بافت منسوجات سنتی آن منطقه - اغلب داخل ماکو قرار می‌گرفته - از جمله شال بافی، ترمه بافی و عریض بافی - شال یا پارچه‌های خام بستر پته - کرمان و در سایر مناطق از جمله، موج بافی بختیاری‌ها، شال و ترمه بافی یزد و ... استفاده می‌شده است. بر اساس تحقیقات میدانی صورت گرفته در این نوع بافت، به اصطلاح رایج منطقه واژه چهل یا به گویش بومی و محاوره ای چل، به معنای این است که چهل رنگ در این دستبافته به کار می‌رود و این نام‌گذاری اشاره نمادین به تنوع و گوناگونی خامه‌های رنگی در این روش بافت دارد به این دلیل که بافندگان، در گذشته، برای هر رنگ از یک ماشوله (ماسوره) استفاده می‌کرده‌اند.

جدول ۱. بر اساس تحقیقات میدانی می‌توان گفت؛ در گذشته، بافندگان روستای بیدگردوئیه و اطراف آن، برای نظم و انسجام بهتر خامه‌های رنگی بر روی دار، در هنگام بافت، آن‌ها را روی ماشوله می‌پیچیده‌اند ولی به مرور زمان، استفاده از آن کم‌رنگ شده و امروزه بافندگان منطقه اغلب از گلوله‌ها، پنگ‌ها و کلاف‌های رنگی خالی استفاده می‌کنند.


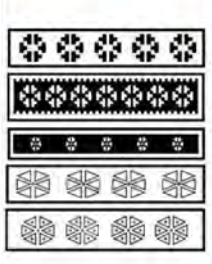


۲.۱. چیپی: اصطلاح گلیم چیپی اشاره مستقیم به روش بافت

این نوع دستبافته دارد؛ درواقع، به روش بافت خاص و منحصر به فرد و استثنایی این نوع دستبافته، که بافندگان آن را به پشت، به صورت برعکس (اصطلاحاً از پشت/ پشت‌نما یا وارونه یا چپ‌باف) می‌بافند، گلیم چیپی نیز گفته می‌شود. در روش بافت آن، برخلاف دستبافته‌های دیگر، که رخ یا نمابافت هستند، بافنده بر اساس تبحر و مهارتی که دارد، عمل بافت، پوددهی، شکل‌پردازی و رنگ‌بندی را از پشت دستبافته انجام می‌دهد و ظرافت شکل‌دهی و رنگ‌پردازی را به درستی و زیبایی به سرانجام می‌رساند؛ در مواردی که نیاز به بازنگری و رویت روند بافت باشد، بافندگان، از آینه‌ای که زیر کار قرار می‌دهند (جدول ۲)، بهره می‌برند و روند بافت را تشخیص می‌دهند.

جدول ۲. نمایش روش چپ‌باف یا معکوس بافت گلیم چهل ماشوله توسط حنیفه رضایی، رحیمه شیبانی و گلشن ابراهیمی بافندگان ماهر روستای بیدگردوئیه که این نوع گلیم را از پشت می‌بافند و برای رویت روند بافت، گاهی از آینه استفاده می‌کنند.

جدول ۳. آنالیز سیر برخی از تغییر نقش معروف سبیک در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه دهستان فتح آباد شهرستان بافت استان کرمان.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	سبیک شایوو گل عباسی گل شاهي گل شش پر سیوو (سیو) آلما آلماکل آلماگلی			گیاهی و هندسی	سبیک نوعی نقش گیاهی و هندسی؛ به معنای گل سبک، یکی از متنوع ترین و پرکاربردترین و - به نوعی - یکی از زیباترین نقوش تزئینی کوچک - سفید و رنگی - بافته شده در دستبافته عشایری و روستایی مناطق مختلف کرمان و به خصوص گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه است. این نقش دارای تنوع شکل، رنگ و همچنین نام های مختلف در دستبافته ها می باشد.

است. این منطقه با داشتن تپه های باستانی در خود قدمتی دیرینه و حتی «به بیش از هزار سال می رسد» (ضیاءشهبابی، ۱۳۸۱، ۳۲). گرچه وجود تپه باستانی یحیی در صوغان، با قدمت پنج هزار سال قبل از میلاد، دال بر وجود نشانه های مدنیت و یکجانشینی در این اقلیم دانسته، اما آنچه شهرستان بافت، بیدگردوئیه و اقطاع را آشناتر ساخت، دوره صفویه و آمدن افشارها به این منطقه بوده است. «این دوره سرآغاز ظهور افشارها در شهرستان بافت محسوب می گردد» (اسفندیارپور، ۱۳۸۴، ۴۱) و باعث ایجاد تحولات بسیاری به خصوص در هنر بافندگی آنجا شده است.

۳. معرفی ایلات و طوایف مستقل بافنده روستای بیدگردوئیه
بیدگردوئیه و روستاهای اطراف آن یکی از غنی ترین مناطق به لحاظ تعدد اقوام از جمله ترک، لر، لک، بلوچ و فارس است. اقوام این روستا شامل ایلات افشار، رائینی و لک بختیاری و برخی از طوایف مستقل و بومی است که به اختصار توضیح داده می شوند (نمودار ۱).

۳.۱. ایل افشار: افشار سومین^۶ ایل بزرگ استان کرمان - و مهم ترین و اصلی ترین ایل بافنده آن، به خصوص در مناطق بافت، سیرجان، آرزوئیه و بردسیر است. بیشترین خانوار این ایل در منطقه بافت به سر برده اند. درباره پیشینه ایل ترک تبار افشار می توان گفت؛ «افشار [ها]، به سرکردگی بیرام بیگ، در اوایل عصر صفوی (احتمالاً حوالی ۹۱۶ هـ.ق/ ۱۵۱۰م) در کرمان مقیم شده اند» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۹، ۱۳). در این روستا، طوایف ایل افشار از جمله طایفه صفی قلی اولادی (شامل فامیل هایی با پیشوند صفی)، طایفه آل کسلو (فامیل های محمودآقایی و جعفرآقایی)، طایفه قره قویونلو (فامیل های طغرلی و ابراهیمی)، طایفه جالالو (فامیل شیخپور)، طایفه فارسیمدان (فامیل های آرمند و علیرضائی)، طایفه سیاه دو (سنجری) و طایفه تکلو می باشند. «زنان ودختران ایل افشار ماهرترین بافندگان این اقلیم هستند» (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۹۲).

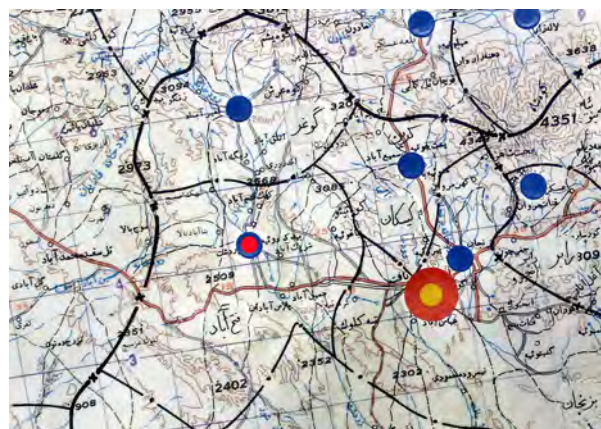
۳.۲. ایل رائینی: رائینی ها، یکی از بزرگ ترین و شناخته شده ترین ایلات بافنده - بعد از ایلات افشار و بچاقچی - در شهرستان بافت و سیرجان، آرزوئیه و تاحدودی بردسیر هستند. این ایل در منطقه بافت و روستای بیدگردوئیه، شامل طایفه سیاه جل - بزرگ ترین و معروف ترین طایفه همین ایل - با تیره موسی پور سیاه جل (این تیره بهترین بافنده این ایل است)؛ طایفه عاشوری با تیره عاشوری؛ طایفه قاسمی با تیره قاسمی نژاد - دومین طایفه بزرگ این ایل؛ طایفه محبی با تیره محبی قاسمی نژاد؛ و طایفه مرادر جبی با تیره مرادپور است (سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر

نقوش گاهی در حاشیه و گاهی در متن گلیم به صورت فشرده در کنار یکدیگر بافته می شوند، در نگاه بافنده عشایری تلقی گردنبد سینه ریز داشته و به مرور به سینه ریز شهرت پیدا کرده است.

۲. موقعیت جغرافیایی، اقلیمی و تاریخی روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت استان کرمان

بیدگردوئیه به مختصات طول جغرافیایی ۵۶ درجه و ۱۱ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۳۴ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۰۵ دقیقه تا ۲۹ درجه و ۲۴ دقیقه در فاصله حدوداً ۲۲ کیلومتری شمال غرب شهر بافت قرار گرفته است (فرهنگ جغرافیایی آبادی های استان کرمان - شهرستان بافت، ۱۳۸۳، ۲۸۵) - (تصویر ۲). این روستا در مسیر بین شهرهای بافت به سیرجان و دهستان گوغر واقع شده و مرکز دهستان فتح آباد است. همچنین، دارای آب و هوای بیابانی، نیمه خشک، معتدل تا خنک است (نجم الدینی، ۱۳۹۰، ۸۱). جمعیت این روستا، براساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری رسمی منتشر شده)، ۴۴۵ نفر در ۱۵۴ خانوار با ۲۱۳ مرد و ۲۳۲ زن است (درگاه ملی آمار ایران و دفتر معاونت آمار و اطلاعات سازمان برنامه و بودجه استان کرمان، ۱۴۰۲). بیشترین جمعیت زنان این روستا، به حرفه بافندگی مشغول اند و گلیم بافی و قالی بافی در کنار دامداری و کشاورزی، مهم ترین منبع درآمدشان قلمداد می گردد.

روستای بیدگردوئیه - در محدوده جغرافیایی اقطاع و اقطاع افشار - یکی از روستاهای مهم، تاریخی و معروف شهرستان بافت استان کرمان



تصویر ۲. نقشه روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت استان کرمان.



نمودار ۱. ایلات و طوایف مستقل و بافنده روستای بیدگردوئییه.

امر، کشف تعدادی چرخ نخریسی گلی از خانه‌های تل ابلیس [در طی کاوش] می‌باشد» (ماهری، ۱۳۷۹، ۱۱۶). بنابراین، پیشینه بافندگی در استان کرمان و مناطق بردسیر، بافت و سیرجان به بیش از پنج‌هزار سال قبل از میلاد مسیح - یعنی هفت‌هزار سال سابقه تاریخی تاکنون - برمی‌گردد. درعین حال «می‌دانیم که بشر از کهن‌ترین روزگاران ابزار و وسیله ساخته است. دست‌ساخته‌های ایرانی در حدود هفت‌هزار سال سابقه دارد» (حضور، ۱۳۸۹، ۷۵). اطلاعات تاریخی ما از گذشته روند شکل‌گیری دستبافته‌ها مرهون تکرار و تداوم ادامه‌دار فنون، سنن و هنر گذشتگان از نسلی به نسلی و رسیدن تا زمان اکنون است.

۵. هنر بافندگی در روستای بیدگردوئییه

شهرستان بافت (با احتساب روستای بیدگردوئییه) استان کرمان، یکی از مناطق مهم و معروف عشایرنشین / ایلیاتی نشین (ایلیاتی باف) - در کنار شهرستان‌های سیرجان، رابڑ، آرزوئییه، بردسیر، شهر بابک، جیرفت، عنبرآباد، کهنوج، منوجان، فاریاب، قلعه گنج و رودبار جنوب - است. دستبافته این منطقه، به لحاظ تولید دستبافته، به سه گروه قالی بافی، گلیم بافی و گلیم فرش تقسیم می‌شود. تکنیک / روش گلیم بافی ایلات منطقه نیز، به لحاظ شیوه بافت، به سه گروه ساده بافت یا پودگذاری، پیچ باف یا پودپیچی و ترکیبی یا گلیم فرش تقسیم می‌گردد.^{۱۰}

از دیرباز هنر بافندگی روش خلاقانه‌ای در بین مردمان کوچ‌رو به خصوص روستای بیدگردوئییه بوده است که بافندگان از آن در تهیه لوازم و ملزومات زندگی و کسب و کار استفاده می‌کرده‌اند (جدول ۴) و تنوع دستبافته‌ها با مقتضیات زندگی عملی آن‌ها هم‌خوانی دارد و زائیده نوع زیست آن‌ها است. مهم‌ترین دستبافته این روستا شامل گلیم، قالی، قالیچه، پشتی، پادری، کناره، خُرچین، دست‌دان، کشک‌دان، قاشق‌دان، دکارت / دوکاردان، توشه‌دان، نمک‌دان، توبره، جوال، گاله، خُوره، چنته، جاله، سفره (آردی، نانی، دست‌ورخون و پیش‌انداز)، رکعت، مسند، مفرش، درفش‌دان، سوزن‌دان، جَلک‌دان، چپق‌دان، قلیان‌دان، جاجیم، جلد قرآن / جاقرائی، آینه‌دان، بشقاب‌دان، دُمُک‌بند / راهنمای کیسه ادویه، سفره‌دان / سفره‌آویز، ننی / گاجو / گهواره بچه / نعنو، بند ننی، تنگ / نوار مال‌بند / نوار باربند، پلاس / سیاه‌چادر، افسار و پوشش و تزئین حیوانات باربر و سواربر - شتر، اسب، قاطر و الاغ - همانند جُل، زین‌پوش، روزبنی، روکپلی، پیش‌سینه / سینه‌بند / سینه‌پوش، پیشانی‌بند، زبرد می، پهلوبند، زیرگردنی، زانوبند، پالان، گردن‌بند، سربند، روبند، یوزه‌بند و غیره، ۱۱ می‌باشد.

می‌توان این دستبافته‌ها را در نه گروه به این منوال گروه اول:

کوچنده ایران، ۱۳۶۵، ج. ۲، ۱۵۴-۱۹۹). برخی از خانوارهای طوایف این ایل در روستای بیدگردوئییه ساکن هستند.

۳.۳. ایل لک بختیاری: این ایل شاخه‌ای از ایل بزرگ بختیاری لرستان است که به فارس رفته و سپس به منطقه کرمان مهاجرت کرده است و در مناطق وسیعی، به خصوص در شهرهای بافت، آرزوئییه و بردسیر پراکنده شده‌اند. این ایل «صدوپنجاه سال است [که] از فارس به کرمان آمده‌اند» (وزیری، ۱۳۸۵، ۲۵۲). تعداد کمی از خانوارهای این ایل در روستای بیدگردوئییه زندگی می‌کنند. دیگر اقوام بومی و طوایف مستقل فارسی‌زبان ساکن در این روستا، شامل طوایف و فامیل‌های محسنی (اصالتاً گوغری)، رضایی (اصالتاً لک بختیاری)، صادقی، مرادی (کُر)، سنگ‌پهنی، شیبانی، حسینی، رحیمی نژاد و ... می‌باشند.

۴. پیشینه گلیم بافی در روستای بیدگردوئییه شهرستان بافت استان کرمان

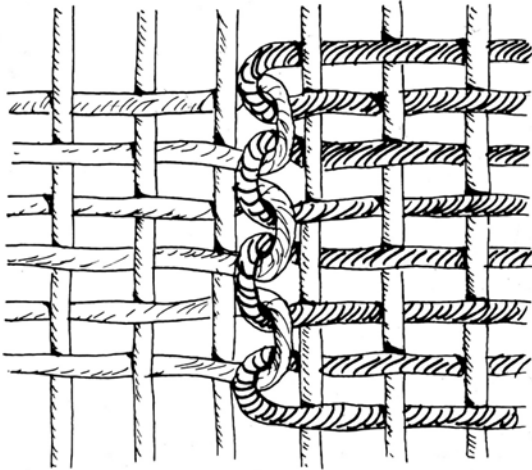
رونق و اعتلای امروزی هنر بافندگی در روستای بیدگردوئییه استان کرمان، از دوران باستان تاکنون، گواه این مدعا است که این استان یکی از مهم‌ترین کانون‌های مدنیت و بافندگی بوده است و «هنر فرش بافی یکی از کامل‌ترین و پربارترین تجلیات فرهنگ ایرانی است» (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۲۶۰۹). می‌توان گفت، شکل‌گیری دستبافته‌ها، قبل از اسلام و بعد از اسلام، از ابداعات و ابتکارات عشایر و روستاییان است. گرچه گلیم بافی و قالی بافی از گذشته در استان کرمان وجود داشته ولی با ورود اقوام مهاجر - ایلات افشار، بُچاقچی، لک بختیاری، آینه‌ای، سلیمانی، قرائی / قرایی، خواجوئی / خواجویی، خراسانی، لُری و ... - به آن، تنوع و گسترش بیشتری یافته است. به عبارتی، «ذوق و خلاقیت هنری هر جامعه‌ای از سنن زندگی و سوابق تاریخی و محیط زیست آحاد آن قوم ریشه و الهام می‌گیرد» (نصیری، ۱۳۷۴، ۱۲) و «افشارهای کرمان با وجود تولید انبوه قالی‌های گره‌دار، گلیم‌های زیادی نیز می‌بافند که شاید در میان قبایل ایران از بیش‌ترین تنوع و گوناگونی برخوردار باشد» (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷، ۲۴۷). امروزه مهم‌ترین روش گلیم بافی در روستای بیدگردوئییه، تکنیک گلیم جفت‌قلاب و جفت‌قلاب ترکیبی چهل ماشوله می‌باشد.

براساس کشفیات باستان‌شناسی در استان کرمان و حفاری‌هایی که در ۱۳۱۴ توسط هراول اشتاین^{۱۱} و در ۱۳۴۴ توسط ژوزف آر. کالدول^{۱۲} انجام شده است؛ «با تکیه بر شواهد موجود، می‌توان با اطمینان اظهار داشت که؛ ابلیسی‌ها^{۱۳} به فن بافندگی به‌خوبی آشنایی داشته و قاعدتاً از لباس‌های بافته پشمی نیز برای پوشاک استفاده می‌کرده‌اند. گواه بر این

جدول ۴. دستبافته‌های مختلف گلیم بافت چهل ماشوله روستای بیدگردونیه.

			
<p>نوع دستبافته: گلیم طرح: راه راه (محرمت) حاشیه اصلی: گنبدی، مداخل، مارپیچ روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب و ترکیب تکنیک‌های بود معلق و بود نما تاریخ بافت: ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ یافته: طایفه صنی قلی اولادی ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۱۷۵×۲۲۰ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستبافته: گلیم طرح: راه راه (محرمت) حاشیه اصلی: گنبدی، مداخل، مارپیچ روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بودمعلق و بودنما تاریخ بافت: ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ یافته: طایفه فارسیمدان ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۱۷۰×۲۲۰ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستبافته: گلیم طرح: راه راه (محرمت) معروف به چهل ماشوله، سینه ریز و چپی حاشیه اصلی: گنبدی، مداخل، مارپیچ روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بودمعلق و بودنما تاریخ بافت: ۱۳۴۴ یافته: طایفه تکلو ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۸۱×۱۲۲ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستبافته: گلیم (یادری) طرح: راه راه (محرمت) حاشیه اصلی: گنبدی، مداخل، مارپیچ روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بودمعلق و بودنما تاریخ بافت: ۱۳۶۱ یافته: طایفه قره فوبنلو ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۶۰×۹۱ سانتیمتر.</p>
			
<p>نوع دستبافته: گلیم معروف به چهل ماشوله / سینه ریز / چپی (روباری) طرح: راه راه / محرمت حاشیه اصلی: گنبدی، مداخل، مارپیچ روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بودمعلق و بودنما تاریخ بافت: ۱۳۵۶ یافته: طایفه آل کسلو ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۱۷۰×۲۲۵ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستبافته: گلیم معروف به چهل ماشوله / سینه ریز / چپی طرح: راه راه / محرمت حاشیه اصلی: گنبدی، مداخل، مارپیچ روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بودمعلق و بودنما تاریخ بافت: ۱۳۴۴ یافته: طایفه سپاهل ایل رائشی محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۸۰×۲۲۵ سانتیمتر (زوع چارک).</p>	<p>نوع دستبافته: سفره طرح: کف ساده / تریج دار حاشیه اصلی: مداخل روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بودمعلق و بودنما تاریخ بافت: ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ یافته: طایفه جالو ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۱۱۸×۱۲۰ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستبافته: نمکدان طرح: راه راه (محرمت) حاشیه اصلی: ندارد روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بودمعلق و بودنما تاریخ بافت: ۱۳۲۹ یافته: طایفه عاشوری ایل رائشی محل بافت: بیدگردونیه از توابع شهرستان بافت اندازه: ۵۲×۵۵ سانتیمتر.</p>
			
<p>نوع دستبافته: گلیم چهل ماشوله / سینه ریز / چپی طرح: راه راه / محرمت حاشیه اصلی: گنبدی، مداخل، مارپیچ روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بود معلق و بود نما یافته: فامیل مزاد از طایفه صنی قلی اولادی ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع شهرستان بافت اندازه: ۱۷۲×۲۴۴ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستبافته: گلیم چهل ماشوله / سینه ریز / چپی طرح: راه راه / محرمت حاشیه اصلی: مداخل روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بود معلق و بود نما یافته: طایفه صنی قلی اولادی ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع شهرستان بافت اندازه: ۱۶۵×۲۲۵ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستبافته: گلیم (کناره) طرح: راه راه (محرمت) حاشیه اصلی: مداخل روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بود معلق و بود نما تاریخ بافت: ۱۳۵۰ یافته: طایفه صنی قلی اولادی ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۸۵×۲۰۸ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستبافته: گشکدان طرح: راه راه (محرمت) حاشیه اصلی: سبک روش و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های بود معلق و بود نما تاریخ بافت: ۱۳۴۴ یافته: فامیل علیرضایی از طایفه فارسیمدان ایل افشار محل بافت: بیدگردونیه از توابع بافت اندازه: ۲۵×۲۷ سانتیمتر.</p>

چهل ماشوله، مختص بافندگان همین ایل است. بر اساس تحقیقات، گلیم چهل ماشوله در ابتدا صرفاً با تکنیک جفت قلاب بافته می‌شده است (تصویر ۴) ولی به مرور، این تکنیک با روش‌های پودمعلق و پودنما ترکیب شده است و نقوش اصلی با روش جفت قلاب و نقوش سبک یا شایوو با روش پودمعلق و بخش‌های ساده بافت و بدون نقش با روش پودنما - و با دار افقی / خوابیده / زمینی - ایجاد شده‌اند. در این نوع بافت، در گذشته دستبافته‌ها کاملاً تمام‌پشم و در سده اخیر ترکیب پشم و پنبه و یا تمام پشم هستند. به عبارتی، «بافت جفت قلاب شیوه دیگری از بافت است که طی آن برای نقش آفرینی، قطعات رنگ [پود] را می‌توان به صورت عمودی به هم متصل کرد. در



تصویر ۳. حالت قرارگیری تارپود در تکنیک جفت قلاب؛ مأخذ: (Day, 1996, 39)



تصویر ۴. نوع دستبافته: گلیم چهل ماشوله / سینه‌ریز / چپی؛ طرح: بندی؛ حاشیه اصلی: مداخل؛ روش بافت: گلیم‌بافی با تکنیک صرفاً جفت قلاب؛ بافنده: طایفه صفی‌قلی اولادی ایل افشار؛ محل بافت: بیدکردوئیه از توابع شهرستان بافت اندازه: ۲۱۰ × ۱۶۰ سانتی‌متر.

دستبافته زیرانداز / زیر پا / کپوش؛ دوم: دستبافته روانداز؛ سوم: دستبافته کیسه‌ای / محفظه‌ای، نگهدارنده و تکه‌گاه؛ چهارم: انواع تزئین و تن‌پوش / پوشش / روپوش / زینت / بارپوش حیوانات باربر و سواربر؛ پنجم: تزئینات و پرده و آویز سیاه‌چادر عشایری و خانه‌های روستایی؛ ششم: روپوش / روبار / روباری وسایل در سیاه‌چادرهای عشایری و منازل روستایی؛ هفتم: خیمه / پوشش سقف خانه‌های عشایری یا به گویش محلی پلاس و سیاه‌چادر؛ هشتم: انواع طناب‌ها یا تنگ / نوار مال‌بند و نوار باربند و افسار؛ نهم: منسوجات سنتی مانند چادرش، که در دامنه دستبافته‌داری نیست و در گروه نساجی سنتی قرار می‌گیرد، تقسیم‌بندی کرد. به نوعی «درکار محفظه‌بافی، افشارها ید طولایی دارند و در مقایسه با دیگر عشایر ایران بسیار غنی هستند. هریک از محفظه‌های افشاری، برش و اندازه ویژه‌ای دارد و به قصد خاصی بافته شده است. ساختار هر محفظه بسیار متنوع است» (تناولی، ۱۳۸۹، ۴۹). در این مقاله تمرکز بیشتر بر روی گلیم، سرفه و سایر دستبافته گلیم بافت چهل ماشوله می‌باشد.

گلیم‌بافی این روستا تنوع زیادی در روش بافت دارد. براساس تحقیقات، از گذشته تاکنون، حداقل نه تکنیک گلیم‌بافی از جمله روش ساده‌بافی، تک قلاب، جفت قلاب (معروف به چهل ماشوله یا سینه‌ریز یا چپی)، پودمعلق / پود جایگزین (معروف به سوزنی ضخیم)، چاک‌دار، پوداضافی یا پوداضافه، شیریکی پیچ (پیچ‌بافی یا سوزنی) و گلیم‌فرش^{۱۲} و نارنما یا جاجیم‌بافت وجود داشته که در روستای بیدکردوئیه تکنیک جفت قلاب و جفت‌قلاب ترکیبی معروف به چهل ماشوله - این تکنیک در ادامه به تفصیل توضیح داده خواهد شد - شهرت و رونق بیشتری نسبت به سایر تکنیک‌های گلیم‌بافی دارد.

۶. معرفی گلیم چهل ماشوله (چپی یا سینه‌ریز)

گلیم چهل ماشوله، که به نام‌های چپی و سینه‌ریز هم از آن نام می‌برند، نوعی گلیم یک‌رو و مستحکم است که با تکنیک جفت قلاب به صورت معکوس بافت بافته می‌شود، بدین صورت که بافندگان بر اساس مهارتی که دارند، برخلاف دیگر دستبافته‌ها که رخ (نما) بافت هستند، آن را از پشت می‌بافند. در واقع، جفت قلاب «بدین معنی است که یک پود به دو پود مجاور قلاب می‌شود» (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷، ۵۱) (تصویر ۳) و موجب ضخامت، برجستگی در محل قلاب‌ها و استحکام در دستبافته‌ها می‌گردد. در برخی از متون به نام‌های گلیم‌بافی متصل جفت قلاب (تناولی، ۱۳۷۰، ۶۷) و دو قلابه، پودپیوند، پودمتصل و پودمتصل مضاعف (استون، ۱۳۹۱، ۸۷) و گلیم‌بافی جفت قلاب و متصل جفت قلاب (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷، ۵۱ و ۲۴۹) از آن نام می‌برند. این روش بافت در گلیمینه‌های روستای بیدکردوئیه و سایر مناطق گلیم‌بافت همجوار نیز کاربرد دارد. روش بافت در هر دستبافته، یکی از عوامل مهم در تشخیص تیره، طایفه و ایل بافنده آن منطقه محسوب می‌شود. به عبارتی «اسلوب بافندگی ایلات و عشایر [صرفاً] بستگی به منطقه زیست ندارد و متکی بر سنت ایلی و بعضاً طایفه‌ای است» (پرهام، ۱۳۹۹، ۷). همان‌گونه پیشتر اشاره شد، افشارها در اوایل عصر صفویه، به دلیل قیام علیه شاه صفوی به کرمان تبعید شدند، بنابراین می‌توان گفت، پیشینه این فن در استان کرمان و روستای بیدکردوئیه به دوره صفویه و ورود ایل بزرگ افشار به آن منطقه برمی‌گردد؛ زیرا - از گذشته تاکنون - اغلب بافندگان ترک‌زبان افشاری آن را به بهترین نحو بافته‌اند و امروزه هم بافت بهترین گلیم‌های

محرمات «نامی است که پارچه فروشان و شال بافان قدیم به پارچه‌های راه راه رنگارنگ می‌دادند» (دانشگر، ۱۳۸۹، ۳۶۶). از روند این طرح، اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما پیداست که این طرح «از نقش‌های اصیل هخامنشی و ساسانی است» (ژوله، ۱۳۸۱، ۳۲).

راه راه (محرمات، خطی)، (ردیف اول سمت راست جدول ۵) از ابتدایی‌ترین طرح‌هایی است که در گلیم چهل ماشوله به صورت نوارهای افقی رنگارنگ بافته شده است. به نظر می‌رسد که این طرح به مرور به تکنیک‌های متداول گلیم بافی نیز راه یافته است؛ یا با ورود نقش به این طرح، نقوش با تکنیک‌هایی از جمله جفت قلاب، تک قلاب، پودمعلق و شیریکی پیچ (پیچ بافی)، گلیم فرش، چاک‌دار و تارنما بافته شده‌اند که یکی از نمونه‌های موفق آن، روش جفت قلاب چهل ماشوله در استان کرمان است.

به طور کلی، می‌توان سلسله صفویه و بعد از آن (دوران آمدن و پراکندگی ایل افشار به کرمان و رونق گلیم‌های چهل ماشوله و شیریکی پیچ و قالی افشاری) را دوران قوت طرح و نقش‌های مختلف از جمله راه راه / محرمات بر دستبافته داری به خصوص گلیم عشایر کرمان و روستای بیدگردوئیه دانست.

۲.۷. طرح‌های بندی: این طرح‌ها از تکرار یک نقش واگیره‌ای -

اغلب در دستبافته بزرگ پارچه - در قالب لوزی‌های متصل یا منفصل از هم، شکل گرفته است. یکی از متنوع‌ترین طرح‌های دستبافته گلیمینه روستای بیدگردوئیه است که معروف‌ترین آن‌ها در استان کرمان، تاس بندی (ردیف اول سمت چپ جدول ۵) و بندی کله قوچی می‌باشند و تنوع زیادی در طرح، رنگ، تکنیک بافت و کاربرد در دستبافته‌ها دارند.

۳.۷. طرح لچک‌ترنج / تک ترنج / ترنج‌دار / ترنجی: ترنج این

دستبافته‌ها اغلب در قالب‌های هندسی و نیمه‌هندسی، به شکل دایره، بیضی، لوزی، چهارگوش، شش ضلعی، چندضلعی، با اندازه و صورت‌های مختلف، بر متن گلیم چهل ماشوله ایجاد شده است. این گروه طرح‌هایی از پرکاربردترین و متنوع‌ترین طرح در گلیم روستای بیدگردوئیه هستند. در این گونه طرح‌ها، ترنج مرکزی دستبافته در ساختارهای مختلفی از جمله تک ترنج (ردیف دوم سمت چپ جدول ۵)، لچک ترنج، دوترنج، سه ترنج، چهارترنج، پنج ترنج، ترنج جانوری (ردیف سوم سمت چپ جدول ۵)، ترنج ترکیبی، ترنج باباییگی، ترنج واگیره‌ای و ... بافته شده است، ولی از آنجایی که در همه این طرح‌ها ترنج یا گل ترنج نقش اصلی را ایفا می‌کند، اغلب با این عنوان شناخته شده‌اند. البته در برخی از موارد بر اساس نوع نقش مرکزی به نام‌های بومی هراقلیم نیز از آن یاد می‌شود.

۴.۷. طرح‌های ابروباد و ابروباد ترنج‌دار: براساس تحقیقات

میدانی نقش و طرح ابروباد نمادی از حرکت آب روان و برکت و فراوانی است. این طرح در دستبافته‌های این روستا کاربرد زیادی داشته و سفره ابروباد تک‌ترنج، متشکل از یک نقش ترنج در مرکز و نقش ابروباد در حاشیه آن است و بین سفره‌های آردی و نانی، پرتنوع‌ترین و زیباترین سفره عشایری منطقه کرمان - به دلیل همان نقش ترنج از جمله ماه‌زنجیل، چهارفصلو، ابروباد (ردیف دوم سمت راست جدول ۵)، تاس / قرص و ... - به حساب می‌آیند.

۵.۷. طرح پنج‌ترنج: این طرح یکی از معروف‌ترین قالب‌های طرح

این نوع بافت، محل پیوستن قلاب‌ها به هم، که محل تداخل دو رنگ است، روی تار انجام نمی‌گیرد؛ بلکه پودها میان تارها به هم می‌پیوندند. ساده‌ترین نوع این بافت؛ بدین ترتیب است که پودی در پود مجاور قلاب می‌شود و سپس به قطعه رنگ خود، بازمی‌گردد» (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷، ۵۱). این نوع بافت دارای شیرازه بافی و کناره پیچ لول یا لول باف متصل است. از این نوع تکنیک، به غیر از گلیم‌های زیرانداز، روانداز و روباری، برای تولید اغلب دستبافته‌های مختلف کاربردی روزمره زندگی عشایری و روستایی از جمله کشک‌دان، دکارت‌دان، توشه‌دان، سفره و ... هم استفاده می‌شود. به طور کلی، گلیم‌های چهل ماشوله و شیریکی پیچ و گلیم فرش متداول‌ترین تکنیک‌های بافت گلیم در استان کرمان به شمار می‌روند و به همین خاطر روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت در ۱۳۹۷ از سوی شورای راهبری انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در رشته گلیم چهل ماشوله ثبت ملی شد و امید است که در آینده نزدیک نیز ثبت جهانی شود. (شهرستان سیرجان نیز در رشته گلیم شیریکی پیچ در شهریور ۱۳۹۶ (سپتامبر ۲۰۱۷) عنوان شهر جهانی صنایع دستی (Wold Craft City) را از سوی شورای جهانی صنایع دستی (World Crafts Council) کسب کرده است.)

۷. طرح‌های گلیم چهل ماشوله

گلیم چهل ماشوله در طرح، نقش و رنگ‌بندی و ترکیب‌بندی، دارای یک ساختار منسجم نظام‌مند است که از بطن جامعه عشیره‌ای برخاسته و به مرور به یک سبک و ساختار و اصول و مبانی در طرح و حاشیه و رنگ و بافت رسیده است و امروزه به عنوان دستبافته عشایری و روستایی استان کرمان و روستای بیدگردوئیه قابل رؤیت و تفکیک است. طرح و نقش‌های مختلف در شکل‌گیری صورت بصری گلیم این اقلیم به وضوح دیده می‌شوند و جزء عناصر لاینفک زیبایی‌شناسی هنری این آثار می‌باشند. مهم‌ترین طرح‌های این روش گلیم بافی عبارتند از: راه راه (محرمات) منظم و نامنظم، بندی، بندی کله / شاخ قوچی، راه راه ترنج‌دار، لچک‌ترنج، تک‌ترنج، ترنج باباییگی، ترنج‌دار، ترنج‌دار حیوانی، ابروباد، ابروباد ترنج‌دار، پنج ترنج، کف ساده ترنج‌دار و ... بافندگان این منطقه گلیم چهل ماشوله را در دهه‌های اخیر، اغلب با طرح‌های راه راه / خطی / محرمات، ترنجی / ترنج‌دار، ابروباد ترنج دار و بندی با نقوش خاص و بومی منطقه بافته‌اند. به نظر می‌رسد که سیر تغییر این نوع گلیم به مرور از ساده و بدون نقش به منقوش از جمله راه راه، ترنج‌دار و بندی گسترش پیدا کرده باشد؛ در ادامه توضیحاتی در مورد مهم‌ترین طرح‌های مذکور این گلیم ارائه می‌گردد.

۱.۷. طرح راه راه (محرمات یا خطی): یکی از قدیمی‌ترین

طرح‌های به کاررفته در هنرهای مختلف، به خصوص دستبافته‌های داری و منسوجات آن منطقه، است. به طور کلی، این طرح از گذشته به شکل‌های مختلفی در بسیاری از آثار به کار رفته است و در یافته‌های باستان‌شناسی استان کرمان (سفالینه‌ها و اشیای صابونی تمدن جیرفت، شهداد، ظروف مسی فلزی) به چشم می‌خورد. «در مورد پیشینه کلی این طرح اطلاع چندانی وجود ندارد، اما مسلم است که این نقش از دوران قبل از اسلام بر منسوجات ایران وجود داشته است. پس از اسلام، پارچه‌های راه راه را محرمات نامیده‌اند» (زکریایی کرمانی، ۱۳۸۸، ۱۵۶)؛ در واقع،

جدول ۵. طرح‌های گلیم بافت چهل ماشوله روستای بیدکردوئییه.

	
<p>نوع دستیافته: گلیم چهل‌ماشوله/ سینه ریز/ چپی؛ طرح: بندی؛ حاشیه اصلی: گنجه‌ای؛ روش بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های پودمعلق و پودنما؛ بافته: طایفه صفی‌قلی‌اولادی ایل افشار؛ محل بافت: بیدکردوئییه از توابع شهرستان بافت؛ اندازه: ۱۷۰×۲۳۱ سانتیمتر.</p>	<p>نوع دستیافته: گلیم معروف به چهل‌ماشوله، سینه ریز و چپی (بادری، نمای پشت و روی)؛ طرح: راه‌راه (محرمات)؛ حاشیه اصلی: گنجه‌ای، مداخل، ماریج؛ نوع و تکنیک بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های پودمعلق و پودنما؛ تاریخ بافت: ۱۳۸۷؛ بافته: طلعت صفی‌زاد از طایفه صفی‌قلی‌اولادی ایل افشار؛ محل بافت: بیدکردوئییه از توابع شهرستان بافت؛ اندازه: ۹۵×۶۴ سانتیمتر.</p>
	
<p>نوع دستیافته: سفره چهل‌ماشوله؛ طرح: نکت‌ترینج/ ترینج حیوانی/ ترینج جانوری/ ترینج ترکیبی یا نقش پاهایی؛ حاشیه اصلی: مداخل؛ نوع و روش بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های پودمعلق و پودنما؛ بافته: طایفه فارس‌مدان ایل افشار؛ محل بافت: بیدکردوئییه از توابع شهرستان بافت؛ اندازه: ۱۱۴×۱۱۳ سانتیمتر. مأخذ: (URAI۲)</p>	<p>نوع دستیافته: سفره چهل‌ماشوله/ سینه ریز/ چپی؛ طرح: ابرود ترینج دار؛ حاشیه اصلی: مداخل؛ نوع و روش بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های پودمعلق و پودنما؛ بافته: ایل افشار؛ محل بافت: بیدکردوئییه از توابع شهرستان بافت؛ اندازه: ۱۱۷×۱۱۵ سانتیمتر. مأخذ: (URAI۱)</p>
	
<p>نوع دستیافته: سفره چهل‌ماشوله؛ طرح: پنج‌ترینج؛ حاشیه اصلی: مداخل؛ نوع و روش بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های پودمعلق و پودنما؛ بافته: طایفه ال‌کسلو ایل افشار؛ محل بافت: بیدکردوئییه از توابع شهرستان بافت؛ اندازه: ۱۲۰×۱۱۲ سانتیمتر. مأخذ: (URAI۴)</p>	<p>نوع دستیافته: سفره چهل‌ماشوله؛ طرح: بندی؛ حاشیه اصلی: مداخل؛ نوع و روش بافت: گلیم‌بافی با تکنیک غالب جفت‌قلاب در ترکیب با تکنیک‌های پودمعلق و پودنما؛ بافته: طایفه صفی‌قلی‌اولادی ایل افشار؛ محل بافت: بیدکردوئییه از توابع شهرستان بافت؛ اندازه: ۱۷۰×۲۳۱ سانتیمتر. مأخذ: (URAI۵)</p>

نظیر خلاقیت و آفرینندگی، ذوق، سلیقه، دیدگاه‌ها، تمایلات، آرزوها، اعتقادات، احساسات، تمایلات ابتکاری و نوآورانه و... آن‌ها هستند؛ گروه پنجم؛ عوامل اجتماعی و اجدادی: نظیر قصه‌ها، حماسه‌ها و اسطوره‌ها و هرورایت اجتماعی برای نقش آفرینی در دستبافته‌ها به کاررفته است و همچنین نقوشی که در گذر زمان در طی مجاورت و همسایگی با هم‌نوعان به عاریت گرفته شده و به دستبافته‌های یکدیگر ورود پیدا کرده است. برخی از طرح و نقش‌های دستبافته این منطقه از طرح‌های دستبافته دیگر اقوام (ترک، کرد، لر، عرب و بلوچ) و مناطق همجوار تأثیر پذیرفته‌اند و برهم تأثیر گذاشته‌اند؛ گروه ششم؛ عناصر ظاهری و درون‌متنی (معنایی) دستبافته روستای بیدگردوئیه: گلیم این روستا سرشار از نشانه‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها، رمزگان، اشارت‌ها، نام‌ها و نمادهای تصویری و علائم و اشکال قراردادی است که همه این عوامل و ویژگی‌ها باعث ایجاد هویت و اصالت سنتی، قومی و اقلیمی در نقوش و طرح‌های گلیم چهل ماشوله شده است، بنابراین معرفی، حفظ و گسترش آن‌ها حائز اهمیت و ارزش می‌باشد. به عبارتی، گنجینه قدیمی طرح و نقش انتقال یافته از گذشته، بُن‌مایه بافت ذهنی زنان و دختران در کنار صورت‌بندی از مشاهدات، وقایع و موضوعات مد نظر بافندگان با آئین‌ها، باورها و رسوم قومی و ذوق و سلیقه فردی، عوامل مهم مصورنگاری و زیباانگاری ذهنی بافت دستبافته در این منطقه است.

۹. معرفی نقوش گلیم چهل ماشوله

به‌طورکلی، نقوش روستای بیدگردوئیه را می‌توان به نقوش گیاهی، حیوانی، هندسی و ترکیبی تقسیم‌بندی کرد. اصلی‌ترین نقوش به کاررفته در گلیم چهل ماشوله این روستا نقوش گیاهی هندسی بومی هستند؛ نقوش انسانی در جامعه آماری رؤیت نشد. نقوش از ساده به پیچیده یک روند رو به تکاملی را سپری کرده‌اند و «ساده کردن خطوط و شکل هندسی به آن دادن از خصوصیات بارز ایلاتی است که با گذشت زمان در هر شکل تازه‌ای انجام می‌گیرد» (تناولی، ۲۵۳۶، ۲۳). گلیم‌های عشایری و روستایی بافندگان روستای بیدگردوئیه با طرح و نقش ذهنی باف است که نقوش آن برگرفته از زندگی و طبیعت اطراف بافنده بوده و براساس پالت رنگی و سلیقه و دیدگاه خاص خویش از رنگ‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. به‌طورکلی، گلیم‌بافی در این منطقه دارای تنوع زیادی در نقوش بومی است و مهم‌ترین نقوش آن دندان‌موشی، چهارگل / چهارفصلو / چهارفصل، ترمئو ساده، ترمئو گل‌دار، ترمئو خال‌دار، شاخ / کله‌قوچی، تاس / قرص، سیبک / شایوو / گُل عباسی / گل‌شاهی یا سی‌وو، گنجه‌ای، مارپیچ، مداخل / محراب، سم‌قارو، خارا / چخماق / چاخماق، سم‌قارو، آلاگل، آلماکل، چوگون، نگار، عرب‌گل / چیهان، چله‌چنگ، جَرَنخ، قلاب می‌باشند که شرح مهم‌ترین آن‌ها در ادامه آورده شده است.

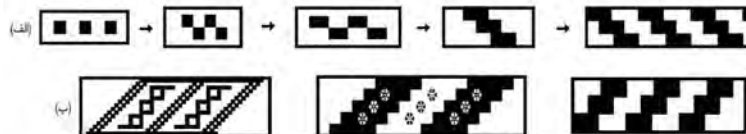
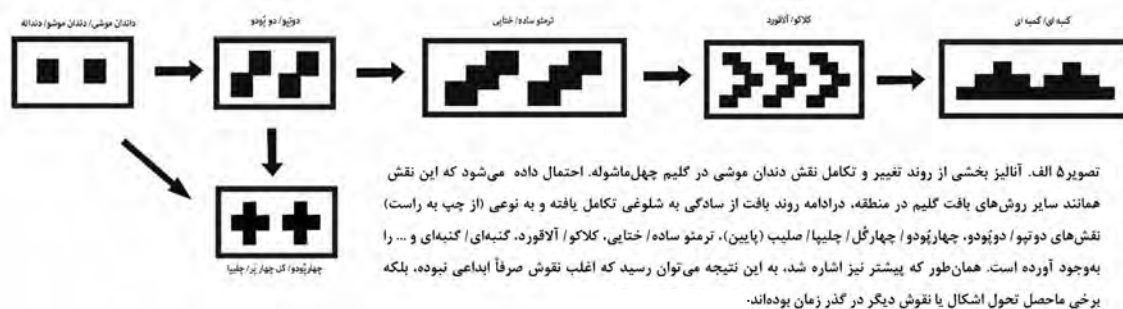
۹.۱. ترمئو / ختایی: ترمئو یا ختایی که به نام‌های هفت‌رنگ و هفت‌تایی هم خوانده می‌شود، یکی از کهن‌ترین نقوش بافته‌شده، در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه استان کرمان است. به احتمال زیاد در ادامه روند تغییر و تکامل نقوش دندان‌موشی و دوتپو به‌وجود آمده (تصویر ۵ الف) و به‌نوعی تکرار زنجیره‌ای نقش‌های مستطیل شکل پلکانی است که بافنده با رنگ‌های مختلفی آن را بافته است. به‌طورکلی، این نقش سه نوع - به نام‌های رایج ترمئو ساده، ترمئو گل‌دار و ترمئو خال‌دار - دارد (تصویر ۵ ب). اغلب این نقش در حاشیه دستبافته گلیمینه و فرشینه

ترنجی در دستبافته منطقه است که اغلب از یک ترنج مرکزی بزرگ‌تر و چهار ترنج دیگر در چهارگوشه دستبافته، اغلب هماهنگ با ترنج مرکزی، بافته شده است (ردیف سوم سمت راست جدول ۵).

۸. عوامل مؤثر بر زیبایی، پیدایش و شکل‌گیری نقوش و طرح‌ها در گلیم چهل ماشوله

شاخصه‌های دیداری و بسیاری از اصول و مفاهیم نهفته در هنر بافندگی این منطقه معرف هویت تاریخی، فرهنگی، هنری و اجتماعی استان کرمان و روستای بیدگردوئیه - مربوط به بخش زیست روستایی و عشایری - است. برپایه تحقیقات میدانی، دستبافته‌های عشایر این منطقه، آثاری کاربردی (سودمند) و دل‌بافته‌هایی زیبا با نقش و کارکرد خاص و معینی برای عشایر هستند که نقش هنری، کاربردی و سودمندانه خود را دارند؛ و در تداوم همین مسیر - سراغاز، اختراع، تولید و استفاده و در نهایت در قرون اخیر رویه تجاری و اقتصادی گرفته‌اند - بستری برای بیان اندیشه‌ها، باورها، عقاید و سلیقه بافندگان شده‌اند. در واقع، دستبافته‌ها، ابتکار و نوآوری کوچ‌نشینان برای تأمین نیازهای آن سبک از زندگی و دسترسی آسان به نگهداری، حمل‌ونقل راحت به همراه زیبایی و بهره‌وری بهینه از مواد اولیه بومی است. ماهیت تداوم این دستبافته‌ها - از گذشته تاکنون - ذهنی و شفاهی بوده است. این نوع دستبافته‌ها برای مصارف بومی، منطقه‌ای و محلی مردمان کوچ‌رو خلق شده و سال‌های متمادی کاربرد و مصرف دارند. «همان‌گونه که همه هنرها از اندیشه هنرمندان، فرهنگ و فلسفه دوران خود تأثیر می‌پذیرند، هنر فرش نیز از فضای فکری هنرمندش و از تمایلات و رویکردهای فرهنگی و زیباشناسانه محیطش متأثر می‌گردد» (چیت‌سازیان و آیت‌اللهی، ۱۳۸۴، ۱۶). زیبایی در دستبافته‌ها با هندسه و نظم آن‌ها «مهم‌ترین اصل در زیبایی‌شناسی اسلامی - ایرانی است» (بلخاری قهی، ۱۴۰۰، ۶۹).

براساس تحقیقات، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و مصورنگاری دستبافته‌های روستایی بیدگردوئیه را می‌توان در پنج گروه کلی تقسیم‌بندی کرد: گروه اول؛ عوامل تاریخی: نظیر سنت‌های قومی، خانوادگی، قبیله‌ای و نژادی گذشته و دستاورد آنها، که به‌مرور به بافندگان انتقال پیدا کرده‌اند، و هرآنچه در حوزه روش خلق و تولید دستبافته (تکنیک‌ها) شامل رنگ‌بندی و دانش رنگ‌گری، مصورنگاری و چیدمان طرح و نقوش، مشخصات فنی و نوع کاربری دستبافته، دانش‌های موروثی زیباشناسی محصولات، رویه ساده‌سازی و استیلیزه‌نمودن خواسته‌ها برای منقوش نمودن دستبافته‌ها؛ گروه دوم؛ عوامل فرهنگی و میراث قومی: نظیر آداب، سنت‌ها، اعتقادات و باورها و سنت‌های قومی و موروثی که شامل طلسم‌های دفع چشم‌زخم و رفع بلا و گرفتاری و اختلافات، ایجاد مهر محبت، قربانی کردن، جشن گرفتن و خوردن و نواختن و آواز خواندن، «شانه‌بینی و پیشگویی» (رضائی، ۱۳۶۹، ۳۵۹)، دید و بازدید در اعیاد، نذر و حاجات، کمک و احترام به سادات و... را در بر می‌گیرند؛ گروه سوم؛ عوامل محیطی، جغرافیایی و اقلیمی: نظیر ملزومات پیرامون زندگی بافندگان، مکان زیست، بیلاق و قشلاق و مسیر کوچ و سرسبزی و عناصر زیبایی طبیعت و جغرافیای زیست‌بوم بافندگان، گل و گیاه، حیوانات و پرند‌های پیرامون زندگی آنان و امورات روزمره آن‌ها که به نوعی در دستبافته‌شان انعکاس یافته است؛ گروه چهارم؛ عوامل فردی متکی بر هوشمندی، آگاهی / شناخت و سلیقه فردی و خانوادگی بافندگان:



تصویر ۵ ب. آنالیز نقش ترمو: شکل بالا (الف): آنالیز احتمال شکل گیری نقش ترمو در ادامه روند تغییر و تحول نقش دندان موشی؛ شکل پایین (ب): آنالیز سه نوع نقش ترمو ساده، ترمو گل دار و ترمو خال دار در گلیم چهل ماشوله.



آن، نقش لوزی شکلی، معروف به تاس یا قرص (تصویر ۷) و گاهی نقش چهارپودو قرار گرفته و داخل آن اغلب با نقش سیبک تزئین شده است. برخی از بافندگان، چهارفصلو را بدون قاب لوزی شکل به گشیشوز، چهارگل یا گل شهناز نیز می خوانند. این نقش تنوع زیادی دارد. این نقش در گذر زمان تغییراتی کرده و گاهی با نقوش متداول دیگر هم ترکیب شده است (جدول ۸).

۴.۹. مداخل: یکی از نقش های قدیمی و پرکاربرد در حاشیه و متن گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه و سایر دستبافته عشایری و روستایی استان کرمان است. این نقش در تزئینات معماری است هم مشاهده می شود. به لحاظ نام گذاری آن به مداخل، وجه مشترکی با بسیاری از دستبافته مناطق و اقوام - فارس، سیستان و ترکمن و دستبافته های لر - داشته است؛ مداخل به معنی داخل شدن است. با توجه به تنوع نقوش مداخل و گنبد ای، که نوعی مداخل (قرینه) محسوب می شوند، منشأ مداخل را در دو نقش چهارپودو و گنبد ای، تاس و نصفه تاس به گویش بومی پَرکه تاس باید جست (تصویر ۸)؛ به عبارتی، این نقش از ترکیب نقوش مورد اشاره به وجود آمده و اغلب به دو رنگ تیره و روشن بافته شده است. از دید بافندگان، مداخل به نام های دیگری از جمله محراب نیز معروف شده است (جدول ۹).

۵.۹. شاخ: مجموعه ای از نقوش با عناوین شاخ (شاخ قوچی یا کله قوچی)، یکی دیگر از نقوش پرکاربرد و متنوع در حاشیه و متن دستبافته عشایری و روستایی استان کرمان، به خصوص گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه است. هر قوم و گروه اصیلی به نوعی

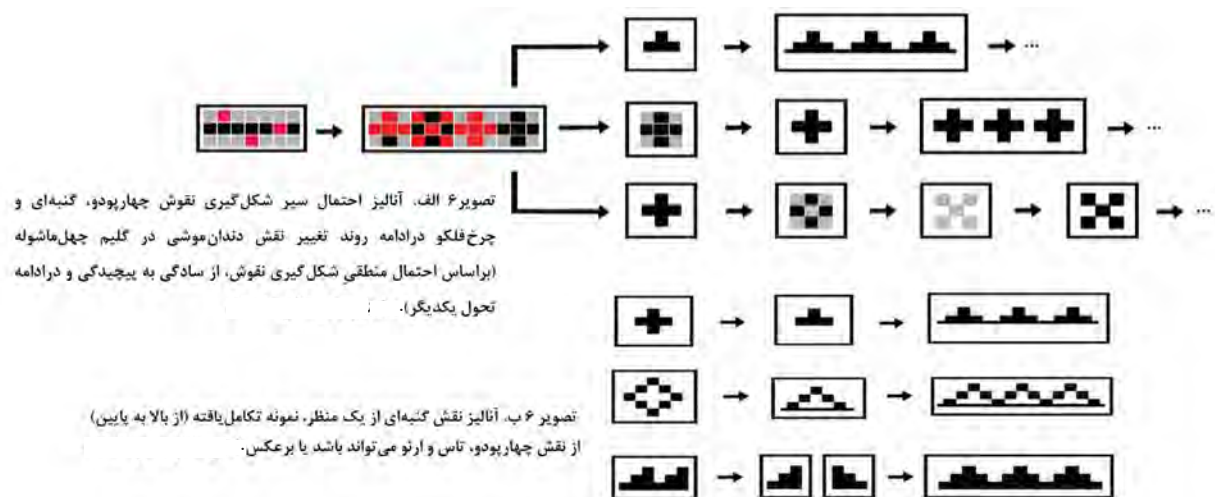
و گاهی در مرکز گلیمینه های به خصوص طرح راه راه (محرمات) ایلات و طوایف مختلف روستای بیدگردوئیه و دستبافته شهرستان های بافت و سیرجان و مناطق همجوار به کار رفته است (جدول ۶).

۲.۹. گنبد ای: گنبد ای یا در گویش محلی گنبد ای که به نام های مداخل و ماریچ هم خوانده می شود، با شاکله پلکانی و کنگره ای از نقوش پُرکاربرد در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه و برخی دستبافته های ایلات بافنده استان کرمان است. این نقش جزء نقوش قرینه و مداخل محسوب می گردد. گنبد ای در تداوم نقوش چهارپودو (صلیب)، تاس یا قرص و ارثو شکل گرفته است به نوعی نیمی یا یکدوم از آنهاست؛ به عبارتی، این نقوش از یک خانواده اند و در ادامه روند تغییر یکدیگر به وجود آمده اند (تصویر ۶ الف و ب) که در برخی از دستبافته ها این تغییرات قابل مشاهده است (جدول ۷).

۳.۹. چهارفصلو: چهارفصلو / چهارگل، یکی دیگر از نقش های مهم گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه و مناطق همجوار یا به طور کلی استان کرمان به حساب می آید که گاهی در قالبی لوزی شکل قرار می گیرد و نمودش در برخی از دستبافته ها محسوس تر است. این نقش به دو صورت، هم مستقل و منفرد و هم واگیره ای و گروهی، در داخل متن و هم به صورت زنجیره ای و خطی در حاشیه و متن دستبافته، بافته شده است. نقش مورد نظر در خود، نقش صلیبی شکلی به گویش بومی چهارپودو یا چلیپا را جا داده است. این نقش «نگاره ای بسیار کهن [است] که قدمت آن به دوران پیش از مسیحیت می رسد و برای ایمنی از چشم زخم به کار می رود» (هال و ویوسکا، ۱۳۷۷، ۷۹). در انتهای هر بازوی

جدول ۶. نقش ترمئو / ختانی در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	ترمئو ختانی ترمئو ساده ترمئو گل دار ترمئو خالدار هفت رنگ هفت تایی			هندسی و گیاهی	ترمئو / ختانی، یکی دیگر از کهن ترین نقوش بافته شده، در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت و دستبافته داری استان کرمان است. به احتمال زیاد در ادامه روند تغییر و تکامل نقوش دندان موشی و دوتپو به وجود آمده است. ترمئو و ختانی متداول ترین نام برای این نقش هستند. وجه تسمیه ترمئو به این دلیل است که: نقش مورد اشاره در گذشته در شال های ترمه منطقه - کرمان - به کار رفته است؛ و وجه تسمیه ختانی را به دلیل هفت رنگ بودن آن گفته اند؛ به نظر می رسد که در گویش عشایر این خطه، ختانی همان رنگ وارنگ (هفت رنگ) باشد.



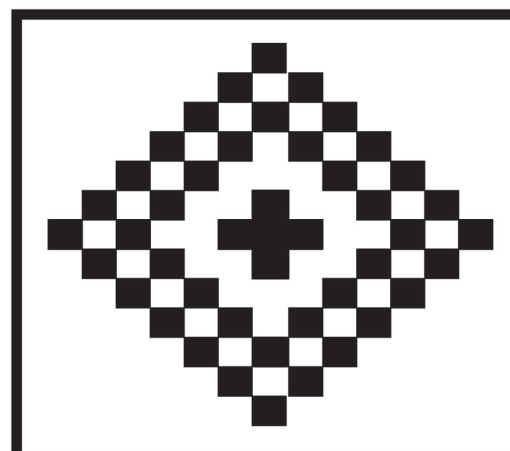
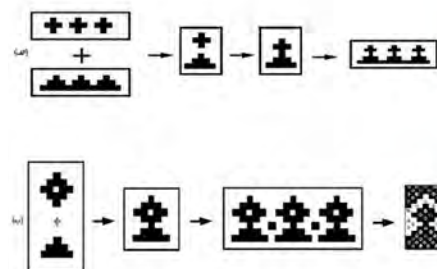
جدول ۷. نقش گنبه ای در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	گنبه ای گنبه ای مداخل مارپیچ			هندسی	گنبه ای نوعی نقوش با شاکله پلکانی و کنگره ای است که دارای کاربرد زیادی در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت است. وجه تسمیه گنبه ای بر این نقش، به دلیل شباهتش به گنبد یا بام خانه های روستایی است؛ به عبارتی، همان شاکله پلکانی و قوسی شکل آن موجب این نام گذاری شده است.

جدول ۸. نقش چهارفصلو در گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه شهرستان بافت.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	چهارفصلو چهارگل گشنیزو گل شهناز چهاربخشو			هندسی	چهارفصلو/ چهارگل، یکی دیگر از نقش های مهم گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه مناطق همجوار است. چهار بخش بودن این نقش، اشاره نمادین، به چهار فصل سال - و چهار عنصر اصلی طبیعت، آب، هوا، خاک و آتش دارد - و به همین دلیل به چهارفصلو خوانده می شود.

تصویر ۸. آنالیز دو نقش چهارپودو (بالا) و گنبه ای (پایین)، موجب شکل گیری نوعی نقش مداخل شده است: نقش تاس/ قرص (بالا) به همراه نقش پرکه تاس (پایین) - نیمه یا نصفه تاس - سوار بر هم است که با تکرار مثبت و منفی، کنتراست شدیدی ایجاد نموده و نقش مداخل را به وجود آورده است.



تصویر ۷. آنالیز نقش معروف تاس یا قرص که در حاشیه و متن گلیم چهل ماشوله به کار رفته است.

جدول ۹. نقش مداخل در گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه شهرستان بافت.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	مداخل محراب			هندسی	نقش مداخل یکی از نقش های مهم، قدیمی و پرکاربرد در هنر بافندگی به خصوص گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه شهرستان بافت و تزئینات معماری است. به لحاظ نام گذاری آن به مداخل، وجه مشترکی با بسیاری از دستیافته مناطق و اقوام - فارس، سیستان و ترکمن و دستیافته های لر - داشته است؛ مداخل به معنی داخل شدن است.

بافته‌های آن‌ها به صورت سلسله‌ای و بیشتر به رنگ قرمز به کار رفته است. به‌طور کلی، این نقش در ادامه روند تکامل نقش‌های شاخ و ستاره به وجود آمده است. بر اساس تحقیقات، این نقش ماحصل ترکیب نقوش ستاره و شاخ یا کله‌قوچی و تاس یا چهارپودو در مرکز؛ به عبارتی، ماحصل نقوش شاخ، کله‌قوچی و ستاره است (تصویر ۹).

این نقش اغلب به دست طوایف ایل افشار در منطقه بافت و اقطاع به عنوان نقشی راه‌راه (محرمات) در متن و سرپلاس گلیم‌های چهل ماشوله به کار رفته است و به غیر از چهل ماشوله در گلیم‌های شیریکی پیچ و گلیم‌فروش منطقه هم مشاهده می‌شود (جدول ۱۱).

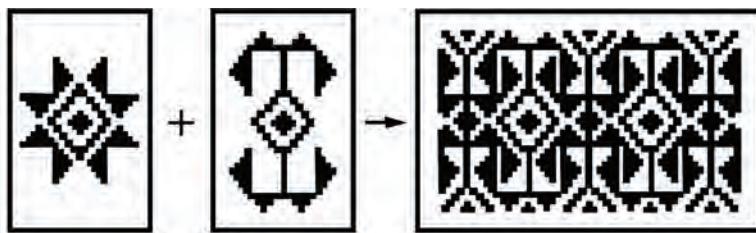
۷-۹. سم قاطرو / سم قاطر: سم قاطر نوعی نقش پرنقش و نگار، مرکب از نقوش رایج منطقه - از جمله دندان موشی، چهارپودو، تاس، گنبدی، مرغی، شاخ و ... است - که اغلب به صورت زنجیره‌ای (خطی، سلسله‌ای) تکرار شده و بافته شده، آن را با نقوشی تزئینی و معنادار بومی منطقه آراسته

این نقوش را در هنر و زندگی خویش به کار برده‌اند. شاکله اصلی نقش شاخ، الهام‌گرفته از فرم شاخ حیواناتی مانند قوچ، آهو، بز و گاو است که استیلیزه و هندسی شده و انواع مختلفی دارد (جدول ۱۰). این تنوع نقش و کارکرد، حاکی از آن است که؛ بدون شک در گذشته در باور بافندگان مناطق مختلف معنایی نمادین داشته است و براساس تحقیقات میدانی این نوع نقش، در همین منطقه اغلب اشاره نمادین به قدرت و نیرومندی دارد؛ به عبارتی، «نیروی جاودانی شاخ‌های قوچ مظهر مردانگی، باروری زیننه، قدرت و شجاعت است» (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷، ۷۵).

۶. ۹. گل سرخ / الاگل: الاگل یا آماگل؛ یکی دیگر از نقوش مهم گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه و برخی دستبافته مناطق همجوار است. براساس تحقیق میدانی، در بین بافندگان ترک زبان ایل افشار، آلا یا آما به معنی سرخ و الاگل به معنی گل سرخ به کار می‌ورد و اغلب در

جدول ۱۰. نقش شاخ در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	شاخ شاخ قوچی کله قوچی			هندسی و حیوانی برگرفته از سر و شاخ حیوانات قوچ، آهو، بز و گاو است.	شاخ (شاخ قوچی یا کله قوچی) یکی دیگر از نقوش پرکاربرد و متنوع در حاشیه و متن گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه است. شاکله اصلی نقش شاخ، الهام‌گرفته از فرم سر و شاخ حیواناتی مانند قوچ، آهو، بز و گاو است که استیلیزه و هندسی شده و انواع مختلفی دارد. هر منطقه بر انواع مختلف آن، نام‌هایی گذاشته‌اند.





تصویر ۹. آنالیز نقش الاگل که از ترکیب نقش‌های ستاره و شاخ شکل گرفته است.

جدول ۱۱. نقش گل سرخ یا الاگل در گلیم چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	گل سرخ الاگل آماگل			گیاهی	الاگل؛ یکی از نقش‌های اصیل و پرکاربرد در دستبافته گلیمینه/ گلیم‌بافت استان کرمان، به خصوص چهل ماشوله روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت است. این نقش در ادامه روند تکامل نقش‌های شاخ و ستاره به وجود آمده است. این نقش یکی از نقش‌های مهم ایل ترک تبار افشار کرمان می‌باشد. در همین راستا، یعقوب آژند، استاد دانشگاه تهران در کتاب هفت اصل تزئینی هنر ایران می‌نویسد: «ورود ترکان به جهان ایران و بعدها دنیای اسلام تأثیری گسترده بر سنت‌های تصویرگری به جا گذاشت. آنها با طبیعت سر و کار داشتند و طبیعتاً هر آنچه در طبیعت موجود بود، برای آنها ارج و قرب و احترام داشت. با پشتیبانی و حمایت آنها، تمامی عناصر طبیعی، از پیکره‌های انسانی و حیوانی تا نقوش گیاهی و هندسی، در هنرهای ایران به ظهور پیوست» (آژند، ۱۴۰۰، ۲۹).

جدول ۱۲. نقش سُم قاطر / سُم قاطر و در گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه شهرستان بافت.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	سُم قاطرو سُم قاطر			هندسی و حیوانی برگرفته از جای پای قاطر	این نقش یکی از نقش‌های مهم گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه است و در نگاه بافنده عشایری و روستایی به خاطر شباهتش به جای پای / سُم حیواناتی چون قاطر به همین نام خوانده می‌شود.

جدول ۱۳. نقش خارا در گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه شهرستان بافت.

ردیف	نام بومی نقش	نقش اصلی	آنالیز گرافیکی نقش	نوع نقش	توضیحات نقش
۱	خارا چخماق چاخماق			هندسی	خارا نام طرح و نقشی در دستبافته عشایری و روستایی استان کرمان است که اغلب به صورت واگیرهای در متن دستبافته و خطی و زنجیره‌ای در حاشیه برخی محصولات به کار رفته است. خارا اغلب در قالب نقش، در برخی از طرح‌های راه‌راه (محرمات)، گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه شهرستان بافت قابل استفاده بوده است؛ همچنین، نام خارا نیز برگرفته از کنگره و دندان‌بودن این نقش است. در بین بافندگان منطقه به غیر از خارا به نام‌های چخماق و یا چاخماق نیز خوانده می‌شود.

نتیجه

در طی مطالعه و بررسی گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه به این نتایج دست‌یافتیم که: بافندگی در استان کرمان هنری خاص و دارای فنون و تکنیک‌های پیچیده‌ای است. گلیم چهل ماشوله از بطن ضروریات و سیر توالی حیات اجتماعی انسان‌های اولیه، کوچ‌رو و روستانشین اقوام این منطقه پدید آمده و به مرور زمان تغییر کرده و قوام، نظام یافته و چهار چوب فنی و بصری معینی گرفته است؛ گرچه در این بین تغییر مکان و مهاجرتی بر این قوم صورت پذیرفته است. به نوعی، جلوه‌ای هنری، زیبا و فنی برای تأمین، شکل‌دهی و تزئین ملزومات و نیازمندی‌های زندگی، کار و استراحت مردمان این خطه است که حفظ و تداوم حیات فردی و اجتماعی آنان را به دنبال داشته است. به دلیل اینکه توأمان سودمندی و لذت‌رادر ایجاد رفاه، آرامش و آسودگی در محل زندگی و کار برای خالقان و استفاده‌کنندگان آن فراهم آورده، بافت آن تاکنون استمرار داشته است. نتایج نشان می‌دهد، گلیم چهل ماشوله، زاده تنی واحد نیست، بلکه دستاورد تاریخی اقوامی خلاق است که با رشد اجتماعی آن جامعه، تداوم و تکامل جمعی، قومی و منطقه‌ای یافته است و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است و در این مسیر، به مقتضیات نسل‌ها و تحولات تاریخی تغییر کرده است. در واقع، روش ماهرانه و ابداعی گلیم چهل ماشوله، ماحصل خلاقیت، تبحر و مهارت زنان و دختران ایل بزرگ افشار است که در ابتدا صرفاً با تکنیک جفت‌قلاب بافته می‌شده است ولی به‌مرور، این تکنیک با روش‌های پودمعلق و پودنما ترکیب شده است و نقوش اصلی با روش جفت‌قلاب و نقوش سیبک یا شایوو با روش پودمعلق و بخش‌های ساده‌بافت و بدون نقش با روش پودنما ایجاد شده‌اند. بافندگان افشار، در طی چند قرن - از عصر صفویه تاکنون - بر تکنیک و ظرافت‌های آن افزوده‌اند؛ این روش بافت به مرور زمان، به سایر ایلات و طوایف بافنده، در منطقه، گسترش پیدا کرده است. چپ‌بافی یا معکوس‌بافی در این شیوه از بافت - بر خلاف سایر دستبافته‌ها که رخ‌باف هستند - روشی نادر، منحصربه‌فرد و دارای واجد ارزش ماهوی است؛ این ویژگی، اولین امتیاز

است. این نقش یکی از نقش‌های مهم گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه است و در نگاه بافنده عشایری و روستایی به خاطر شباهتش به جای پای یا سُم حیواناتی چون قاطر به همین نام خوانده می‌شود.

این نقش جزء یکی از نقش‌های پیچیده و سخت در بافته داری است. نقش سُم قاطر در گذشته به غیر از تکنیک جفت‌قلاب با روش‌های پودمعلق، شیریکی‌پیچ و تاحوددی تک‌قلاب هم بافته شده است و امروزه در طرح‌های گلیم چهل ماشوله در شکل‌ها و رنگ‌های مختلفی به کار می‌رود (جدول ۱۲).

۸-۹. خارا: این نقش یکی از طرح و نقش‌های معروف دستبافته گلیم‌باف چهل ماشوله شهرستان بافت و سایر مناطق از جمله جیرفت و سیرجان - در استان کرمان - و خارج از استان کرمان، در منطقه فارس، است. خارا نام طرح و نقشی در دستبافته عشایری و روستایی استان کرمان است که اغلب به صورت واگیرهای در متن دستبافته و خطی و زنجیره‌ای در حاشیه برخی محصولات به کار رفته است. خارا اغلب در قالب نقش، در برخی از طرح‌های راه‌راه (محرمات)، گلیم چهل ماشوله روستای بیدکردوئیه شهرستان بافت قابل استفاده بوده است (جدول ۱۳)؛ همچنین، نام خارا نیز برگرفته از کنگره و دندان‌بودن این نقش است. در بین بافندگان منطقه به غیر از خارا به نام‌های چخماق و یا چاخماق نیز خوانده می‌شود.

خارا در گلیم استان کرمان بیشتر به شیوه جفت‌قلاب و در فرسینه به صورت گره‌بافت در طرحی یک‌پارچه و سراسری هم بافته شده، ولی امروزه، به دلیل نداشتن بازار و کاربرد بافت چنین طرحی در منطقه کم‌رنگ شده است؛ ولی نقش خطی آن امروزه بیشتر در گلیم راه‌راه چهل ماشوله، چپی و سینه‌ریز و گلیم شیریکی‌پیچ و برخی گلیم‌فرش منطقه کاربرد دارد.

این روند شکل‌گیری، تغییر، تحول و تکامل همه عوامل فنی و بصری گلیم چهل ماشوله امروزه هم در اثر تداوم بافت آن کماکان ادامه خواهد داشت.

خلاقیت هنری بافندگان روستای بیدگردوئیه با بهره‌وری از مواد اولیه بومی و طبیعی منتج به دستاوردهای مختلفی در قالب دستبافته به اندازه و شکل‌های مختلف به منظور زیرانداز، روانداز، تکه‌گاه، روپوش، نگهداری، جادادن و حمل‌ونقل آسان وسایل و اشیای زندگی کوچ‌نشینان و روستانشینان این منطقه شده است که کاربردی بودن و غنای بافت توأمان با تزئینات ساده و زیبا از اصول و مبانی مهم هنر بافندگی آن منطقه محسوب می‌شود، بنابراین داشتن مزایای اصالت، خلاقیت و کاربرد در زندگی روزمره که رکنی اساسی برای حفظ، احیاء و تداوم مشاغل بومی و سنتی لازم است، سومین خصلت تکنیک است که مورد توجه بازرسان شورای راهبردی انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی قرار گرفته و آنان را مجاب ساخت که این هنر اصیل را به ثبت ملی درآورند. امید است این هنر ارزشمند سنتی در همان مسیر اصلی و بنیادی آن تداوم یابد.

شاخص و عامل اصلی در ثبت ملی گلیم چهل ماشوله می‌باشد. اغلب نقش‌مایه‌ها و طرح‌های گلیم چهل ماشوله برگرفته از جغرافیا و بافتار گیاهی زیستگاه و سنت‌های گذشته قومی و بومی و ذهنیات زنان روستایی آن منطقه - به صورت کاملاً ذهنی - متأثر از عوامل مختلف تاریخی، هنری، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی و میراث قومی به همراه عوامل فردی است که باعث شکل‌گیری نوعی دستبافته با طرح، نقش و روش بافت اصیل (نشان‌دهنده هویت فرهنگی، ملی و منطقه‌ای) و بومی گردیده است. همین داشتن اصالت، زیبایی، تنوع و بومی بودن نقوش و طرح‌ها، دومین شاخص مهم ثبت ملی گلیم چهل ماشوله است. بنابراین معرفی، حفظ و گسترش آن مهم و حائز اهمیت می‌باشد. همچنین، نقوش در طی سالیان متوالی - از ساده به پیچیده - رشد و تکامل یافته‌اند؛ ذهنی باف‌بودن و بافت مکرر نقوش و طرح‌ها در طوایف مختلف - عاملی بر نام‌گذاری‌های متعدد - و باعث تنوع و تعدد نقش، رنگ و نام در این نوع گلیم شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Stylise (استیلیزه) به معنای خلاصه شده و پالایش شده است.
۲. ماسور چیزی در هم را گویند (دهخدا). همچنین، ماشوره؛ نی کوچکی را گویند (همانجا).
۳. گلدانی سینه‌ریز؛ «نمونه‌ای از تنوع طرح گلدانی و یکی از نمونه‌های معروف در منطقه شهر بابک است که اغلب در فرشینه/پرزباف کاربرد داشته است. این طرح اغلب متشکل از دو یا سه گلدان به صورت قرینه یا سوار برهم است که، به دلیل وجود سلسله گل‌های سفید و قرمز، شبیه سینه‌ریز یا گردنبند، در شهر بابک به گلدانی سینه‌ریز شناخته می‌شود» (سیستانی، ۱۳۹۷، ۲۲۳).
۴. بافت سومین شهر مرتفع ایران (بام کویر) نام گرفته است (کلانتری خاندانی، ۱۳۸۷، ۳۰). این شهرستان در حدود ۱۵۹ کیلومتری جنوب غربی استان کرمان قرار دارد.
۵. برای کسب اطلاعات بیشتر، درباره پیشینه بافت و روستای بیدگردوئیه، به بخش اول کتاب تاریخ بافت، به قلم هوشمند اسفندیارپور ازسوی انتشارات مرکز کرمان‌شناسی رجوع کنید.
۶. براساس سرشماری ۱۳۷۷؛ ایل جبال‌بارز با ۲۶۷۸ خانوار، ایل بلوچ با ۲۴۱۸ خانوار و ایل افشار با ۱۷۹۸ خانوار، به ترتیب بزرگ‌ترین ایلات در استان کرمان به شمار می‌روند (سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور، نتایج تفصیلی، ۱۳۷۸، ۳۱).
۷. باستان‌شناس Aurel Stein
۸. باستان‌شناس Joseph Ralston Caldwell
۹. تپه باستانی تل ابلیس در دهستان نگار (در سه کیلومتری دشتکار و هفده کیلومتری جنوب شرقی شهرستان بردسیر) است.
۱۰. گروه ساده باف یا پودگذاری نیز شامل تکنیک‌های پودنما، تار نما، تک‌قلاب، جفت‌قلاب، پودمعلق، پود اضافی و چاک‌دار (این تکنیک کمتر در دستبافته استان کرمان و منطقه بافت به کار رفته است) می‌شود. از گروه پیچ‌باف به گلیم شیریکی پیچ (پیچ‌باف) می‌توان اشاره کرد.
۱۱. برای کسب اطلاعات بیشتر، درباره دستبافته‌های مذکور، به بخش سوم جلد اول، دوم و سوم و چهارم مجموعه کتاب *دایرةالمعارف دستبافته عشایری و روستایی استان کرمان* ازسوی انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان به قلم عقیل سیستانی مراجعه کنید.
۱۲. تکنیک گلیم‌فرش یا گلیم قالی‌بری یا گلیم گل‌برجسته؛ به دستبافته‌ای که در بافت آن از ترکیب دو تکنیک گلیم‌بافی و قالی‌بافی استفاده شود، گلیم‌فرش
- یا گلیم گل‌برجسته یا گلیم قالی‌بری (قالی‌بری) می‌گویند.
- فهرست منابع**
- آزند، یعقوب (۱۴۰۰). *هفت اصل تزئینی هنر ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات پیکره.
- استون، پیتر. اف (۱۳۹۱). *فرهنگ‌نامه فرش شرق*، ترجمه بیژن اربابی، چاپ اول، تهران: انتشارات جمال هنر.
- اسفندیارپور، هوشمند (۱۳۸۴). *تاریخ بافت*، چاپ اول، کرمان: ناشر مرکز کرمان‌شناسی.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۹). *پیغمبر دزدان*، چاپ نوزدهم، تهران: نشر علم.
- بلخاری قهپی، حسن (۱۴۰۰). *در باب زیبایی، زیبایی‌شناسی در حکمت اسلامی و فلسفه غرب*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پرهام، سیروس (۱۳۹۹). *فرش و فرش‌بافی در ایران*، چاپ اول، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- پوپ، آرتر و اکرم، فیلیس (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران؛ از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ویراستار سیروس پرهام، جلد [های] پنجم و ششم، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تناولی، پرویز (۱۳۷۰). *نان و نمک*، چاپ اول، تهران: چاپ در سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (کتابسرا).
- تناولی، پرویز (۱۳۸۹). *افشار، دستبافته‌های ایلات جنوب شرقی ایران*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- تناولی، پرویز (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *قالیچه‌های شیری فارس*، ترجمه [از] مجموعه قالیچه‌های شیری نوشته ریچارد آتینگهاوزن، سیروس پرهام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چیت‌سازیان، امیرحسین؛ آیت‌اللهی، حبیب (۱۳۸۴). *طبیعت‌گرایی و زیباشناسی فرش ایران، فصلنامه گلجام*، یک (۱)، ۱۶ - ۳۱.
- Dor: 20.1001.1.20082738.1384.1.1.11.5
- حضور، علی (۱۳۸۹). *مبانی طراحی سنتی در ایران*، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.
- دانشگر، احمد (۱۳۸۹). *دانشنامه فرش ایران (کتاب دوم)*، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- دفتر معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان (۱۴۰۲) (نشانی اینترنتی: <https://kerman.mporg.ir>).

اول، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. کلانتری خاندانی، حسین (۱۳۸۷)، سیری در جغرافیای استان کرمان، چاپ اول، کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.

ماهری، محمودرضا (۱۳۷۹)، تمدن‌های نخستین کرمان، چاپ اول، کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) (نشانی اینترنتی: <https://amar.org.ir>). نجم‌الدینی، غلامعباس (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی شهرستان بافت و رائر، چاپ اول، کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.

نصیری، محمدجواد (۱۳۷۴)، سیری در هنر قالی‌بافی ایران، چاپ اول، تهران: ناشر مؤلف.

وزیری، احمدعلی‌خان (۱۳۸۵)، جغرافیای کرمان، تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی‌پاریزی، چاپ پنجم، نشر علم (الف) جغرافیای وزیری، (ب) رساله دهات کرمان، تهران: نشر علم.

هال، آلستر و ووبوسکا، جوزه لوچیک (۱۳۷۷)، گلیم: تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی، مترجمین شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت‌شایان، چاپ اول، تهران: نشر کارنگ.

Day, S. (1996), Greatest Carpets of the World, Paris, France.

URL1: <https://www.rugsoflondon.com/collections/4808-sof-reh-sirjan-kilim-6556547.html> (تاریخ بازیابی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵)

URL2: <https://www.rugsoflondon.com/collections/4804-sof-reh-sirjan-kilim-2669743.html> (تاریخ بازیابی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵)

URL3: <https://www.rugsoflondon.com/collections/4807-sof-reh-sirjan-kilim-8044819.html> (تاریخ بازیابی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵)

URL4: <https://www.rugsoflondon.com/collections/4810-sof-reh-sirjan-kilim-9705439.html> (تاریخ بازیابی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵)

رضائی، علی (۱۳۶۹)، طرح تحقیق و پژوهش فرهنگی و هنری عشایر استان کرمان، گروه مطالعاتی با همکاری شورای عشایری استان، کرمان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان.

زکریایی کرمانی، ایمان (۱۳۸۸)، *شال‌های ترمه کرمان (گذشته، حال، آینده)*، چاپ اول، مؤسسه تألیف، تهران: ترجمه و نشر آثار هنری متن.

ژوله، تورج (۱۳۸۱)، پژوهشی در فرش ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات یساوولی.

سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده - نتایج تفصیلی استان کرمان (۱۳۷۸)، تهران: ناشر مدیریت انتشارات و اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.

سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده ایران (نتایج تفصیلی مرحله اول) (۱۳۶۵)، حوزه شماره ۱۱، کرمان و هرمزگان، جلد اول و دوم و سوم، تهران: مرکز آمار ایران.

سیستانی، عقیل (۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰)، *دایرةالمعارف دستیافته‌های عشایری و روستایی استان کرمان*، جلد اول، مناطق بافت، رائر و آرزوئیه، جلد دوم مناطق بردسیر و شهر بابک، جلد‌های چهارم و پنجم شهر جهانی سیرجان، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان.

سیستانی، عقیل (۱۳۹۷)، تهیه و تدوین پرونده فیزیکی با کلیه مستندات به منظور ثبت روستای بیدگردوئیه شهرستان بافت استان کرمان، به عنوان «روستای ملی صنایع دستی در رشته گلیم چهل ماشوله / سینه‌ریز / چپی» (برای شورای راهبری انتخاب شهرها و روستاهای ملی صنایع دستی)، طرح پژوهشی (چاپ نشده) کرمان: معاونت صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان.

ضیاء‌شهبابی، شهریار (۱۳۸۱)، *اعلام جغرافیای کرمان به استناد معجم البلدان یاقوت حموی*، چاپ اول، کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.

فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان - شهرستان بافت (۱۳۸۳)، چاپ